

مناجات شعبانیه

این مناجات حضرت امیر المؤمنین علیه السلام و امامان از فرزندان او علیهم السلام است که در ماه شعبان می خواندند.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ

ای خدا درود فرست بر محمد و آلش

وَ اسْمِعْ دُعَائِي إِذَا دَعَوْتُكَ وَ اسْمِعْ نِدَائِي إِذَا نَادَيْتُكَ

و چون تو را بخوانم دعای مرا اجابت فرما و هرگاه تو را ندا کنم ندایم بشنو

وَ أَقْبِلْ عَلَيَّ إِذَا نَاجَيْتُكَ فَقَدْ هَرَبْتُ إِلَيْكَ وَ وَقَفْتُ بَيْنَ يَدَيْكَ مُسْتَكِينًا لَكَ مُتَضَرِّعًا
إِلَيْكَ

و چون با تو مناجات کنم به حالم توجه فرما که من بسوی تو گریخته ام و در حضور حضرتت ایستاده در حالی که به

درگاهت به حال پریشانی تضرع و زاری می کنم

رَاجِيًا لِمَا لَدَيْكَ ثَوَابِي وَ تَعَلَّمُ مَا فِي نَفْسِي وَ تَخْبُرُ حَاجَتِي وَ تَعْرِفُ ضَمِيرِي

و به آنچه نزد توست چشم امید دارم و تو از دلم آگاهی و حاجتم را می دانی و ضمیر مرا می شناسی

وَ لَا يَخْفَى عَلَيْكَ أَمْرٌ مُنْقَلَبِي وَ مَثْوَايَ

و هیچ امری از امور دنیا و آخرت من بر تو پنهان نیست

وَمَا أُرِيدُ أَنْ أُبَدِّئَ بِهِ مِنْ مَنْطِقِي وَآتَفَوهُ بِهِ مِنْ طَلْبَتِي وَارْجُوهُ لِعَاقِبَتِي

و آنچه می خواهم که به زبان اظهار کنم و از حواجم سخن گویم و آنچه برای حسن عاقبتم به تو امید دارم همه را

می دانی

وَقَدْ جَرَتْ مَقَادِيرُكَ عَلَيَّ يَا سَيِّدِي فِيمَا يَكُونُ مِنِّي إِلَى آخِرِ عُمْرِي

و حکم تقدیر تو بر من ای سید من در باطن و ظاهرم تا آخر عمر جاری و نافذ است

مِنْ سَرِيرَتِي وَ عَلَانِيَتِي وَ بِيَدِكَ لَا بِيَدِ غَيْرِكَ زِيَادَتِي وَ نَقْصِي وَ نَفْعِي وَ ضَرِّي

و هر زیادت و نقصان و سود و زیان بر من وارد آمد همه به دست توست نه غیر تو

إِلَهِي إِنْ حَرَمْتَنِي فَمَنْ ذَا الَّذِي يَرْزُقُنِي وَإِنْ خَذَلْتَنِي فَمَنْ ذَا الَّذِي يَنْصُرُنِي

ای خدا اگر تو مرا از رزقت محروم سازی دیگر که تواند مرا روزی دهد و اگر تو مرا خوار گردانی که مرا یاری تواند کرد

إِلَهِي أَعُوذُ بِكَ مِنْ غَضَبِكَ وَ حُلُولِ سَخَطِكَ

ای خدا به تو پناه می برم از غضب تو و از ورود خشم و سخطت

إِلَهِي إِنْ كُنْتُ غَيْرَ مُسْتَأْهِلٍ لِرَحْمَتِكَ فَأَنْتَ أَهْلٌ أَنْ تَجُودَ عَلَيَّ بِفَضْلِ سَعَتِكَ

ای خدا اگر من لایق رحمتت نیستم تو لایقی که بر من از فضل و کرم بی پایانت جود و بخشش کنی

إِلَهِي كَأَنِّي بِنَفْسِي وَاقِفَةٌ بَيْنَ يَدَيْكَ وَ قَدْ أَظْلَمَ حُسْنُ تَوَكُّلِي عَلَيْكَ فَقُلْتَ (فَفَعَلْتَ) مَا
أَنْتَ أَهْلُهُ وَ تَغَمَّدْتَنِي بِعَفْوِكَ

ای خدای من گویا من اکنون در حضور تو ایستاده ام و حسن توکلم بر تو به سرم سایه لطف انداخته و آنچه از کرم و

احسان تو را شایسته است با من بجا آورده‌ای عفو و آمرزش مرا فرا گرفته است

إِلَهِي إِنَّ عَفْوَتَ فَمَنْ أَوْلَى مِنْكَ بِذَلِكَ

ای خدا اگر تو مرا عفو کنی که از تو سزاوارتر به عفو است

وَإِنْ كَانَ قَدْ دَنَا أَجَلِي وَ لَمْ يُدْنِنِي (يَدُنْ) مِنْكَ عَمَلِي فَقَدْ جَعَلْتُ الْإِقْرَارَ بِالذَّنْبِ إِلَيْكَ
وَسَيَلْتِي

و اگر اجلم نزدیک شد و عمل صالحم مرا به تو نزدیک نکرد من هم اقرار به گناهانم را وسیله عفو تو قرار داده ام

إِلَهِي قَدْ جُرْتُ عَلَى نَفْسِي فِي النَّظَرِ لَهَا فَلَهَا الْوَيْلُ إِنَّ لَمْ تَغْفِرْ لَهَا

خدایا من در توجهم به نفس خود بر خویش ستم کردم پس ای وای بر نفس من اگر تو او را نیامرزی

إِلَهِي لَمْ يَزَلْ بَرُّكَ عَلَيَّ أَيَّامَ حَيَاتِي فَلَا تَقْطَعْ بَرَّكَ عَنِّي فِي مَمَاتِي

ای خدا چنانکه لطف و احسانت در تمام مدت زندگی شامل حالم بود پس در مرگ مرا از احسانت محروم مساز

إِلَهِي كَيْفَ آيَسُ مِنْ حُسْنِ نَظْرِكَ لِي بَعْدَ مَمَاتِي وَ أَنْتَ لَمْ تُؤَلِّنِي (تُولِنِي) إِلَّا الْجَمِيلَ فِي
حَيَاتِي

ای خدا چگونه مایوس از احسانت بعد مردنم شوم و حال آنکه تو در تمام عمرم با من جز نیکی و احسان نکردی

إِلَهِي تَوَلَّ مِنْ أَمْرِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ وَ عُدَّ عَلَيَّ بِفَضْلِكَ عَلَيَّ مُذْنِبٌ قَدْ غَمَرَهُ جَهْلُهُ

ای خدا با من آن کن که تو را شاید (نه آنچه مرا باید) و باز هم به فضل و کرم بر گنهکاری که در لجه گناه از جهل و

نادانی فرو رفته ترحم فرما

إِلَهِي قَدْ سَتَرْتُ عَلَيَّ ذُنُوبًا فِي الدُّنْيَا وَ أَنَا أَحْوَجُ إِلَيَّ سَتْرَهَا عَلَيَّ مِنْكَ فِي الْآخِرَى

ای خدا تو در دار دنیا گناهانم را از تمام خلق پنهان داشتی و من در آخرت به ستاریت از دنیا محتاجترم

(إِلَهِي قَدْ أَحْسَنْتَ إِلَيَّ) إِذْ لَمْ تُظْهِرْهَا لِأَحَدٍ مِنْ عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ

و چون لطف کردی و گناهانم را بر هیچ بنده صالحی آشکار نکردی

فَلَا تَفْضَحْنِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَى رُءُوسِ الْأَشْهَادِ

پس روز قیامت هم مرا مفتضح و رسوا در حضور جمیع خلائق مگردان

إِلَهِي جُودُكَ بَسَطَ أَمْلِي وَ عَفْوُكَ أَفْضَلُ مِنْ عَمَلِي

خدایا جود و بخششست بساط آرزوی مرا گسترده و عفو تو بهتر از عمل من است

إِلَهِي فَسَّرْنِي بِلِقَائِكَ يَوْمَ تَقْضِي فِيهِ بَيْنَ عِبَادِكَ إِلَهِي اعْتَذَارِي إِلَيْكَ اعْتِدَارٌ مَنْ لَمْ يَسْتَغْنِ
عَنْ قَبُولِ عُدْرِهِ

ای خدا آن روزی که میان بندگانت حکم می کنی آن روز مرا به لقاء خود شاد گردان ای خدا من چون کسی به

درگاہت عذر می خواهم که به قبول عذر سخت محتاج است

فَأَقْبَلْ عُدْرِي يَا أَكْرَمَ مَنْ اعْتَذَرَ إِلَيْهِ الْمُسِيئُونَ

پس عذرم بپذیر ای کریمترین کسی که گنهکاران از او معذرت می طلبند

إِلَهِي لَا تَرُدَّ حَاجَتِي وَلَا تُخَيِّبْ طَمَعِي وَلَا تَقَطِّعْ مِنْكَ رَجَائِي وَأَمَلِي

ای خدا حاجتم را رد مکن و دست طمعم را از درگاهت محروم برمگردان و امید و آرزویم از لطف و کرمت منقطع مساز

إِلَهِي لَوْ أَرَدْتَ هَوَانِي لَمْ تَهْدِنِي وَ لَوْ أَرَدْتَ فَضِيحَتِي لَمْ تُعَافِنِي

ای خدا اگر تو اراده خواری من داشتی به هدایت و احسانت سرفرازم نمی کردی و اگر می خواستی مرا رسوا

سازی در دنیا معافم نمی فرمودی

إِلَهِي مَا أَظُنُّكَ تَرُدُّنِي فِي حَاجَةٍ قَدْ أَفْنَيْتُ عُمُرِي فِي طَلِبِهَا مِنْكَ

ای خدای من هرگز به تواین گمان نمی برم که حاجتی که به تو دارم و عمرم را در طلبش فانی کردم باز روان سازی

إِلَهِي فَلَكَ الْحَمْدُ أَبَدًا أَبَدًا دَائِمًا سَرْمَدًا يَزِيدُ وَلَا يَبِيدُ كَمَا تُحِبُّ وَ تَرْضَى

ای خدا حمد و ثنا مختص توست حمد ابدی و دایم سرمدی که همی بیفزاید و هرگز فنا نپذیرد چنانکه تو دوست

بداری و بیسندی

إِلَهِي إِنْ أَخَذْتَنِي بِجُرْمِي أَخَذْتُكَ بِعَفْوِكَ وَإِنْ أَخَذْتَنِي بِذُنُوبِي أَخَذْتُكَ بِمَغْفِرَتِكَ

ای خدا اگر مرا به جرمم مؤاخذه کنی تو را به عفو تو مؤاخذه می کنم و اگر مرا به گناهانم بازخواست کنی تو را به

مغفرتت باز خواست کنم

وَ إِنْ أَدْخَلْتَنِي النَّارَ أَعْلَمْتُ أَهْلَهَا أَنِّي أُحِبُّكَ

و اگر مرا به آتش دوزخ بری اهل آتش را آگاه خواهیم کرد که من تو را دوست می داشتم

إِلَهِي إِنْ كَانَ صَغُرَ فِي جَنْبِ طَاعَتِكَ عَمَلِي فَقَدْ كَبُرَ فِي جَنْبِ رَجَائِكَ أَمَلِي

ای خدا اگر در مقابل طاعتت عملم اندک است در مقابل رجاء و امید به کرمت آرزویم بسیار است

إِلَهِي كَيْفَ أَتَقَلَّبُ مِنْ عِنْدِكَ بِالْخَيْبَةِ مَحْرُومًا وَقَدْ كَانَ حُسْنُ ظَنِّي بِجُودِكَ أَنْ تَقَلِّبَنِي
بِالنَّجَاةِ مَرْحُومًا

ای خدا چگونه از درگاه لطفت محروم و ناامید برگردم در صورتی که به جود و احسان تو حسن ظن بسیار داشتم که

به حالم ترحم کرده و عاقبت از اهل نجاتم می گردانی

إِلَهِي وَقَدْ أَفْنَيْتُ عُمْرِي فِي شِرَّةِ السَّهْوِ عَنْكَ وَأَبْلَيْتُ شَبَابِي فِي سَكْرَةِ التَّبَاعُدِ مِنْكَ

ای خدا عمرم را با درد و غفلت از تو فانی ساختم و بفرسودم جوانیم را در مستی بعد از تو

إِلَهِي فَلَمْ أَسْتَيْقِظْ أَيَّامَ اغْتِرَارِي بِكَ وَرُكُونِي إِلَى سَبِيلِ سَخَطِكَ

ای خدا پس بیدار نشدم روزگاری را که مغرور کرمت بودم و به راه سخط و غضبت می رفتم

إِلَهِي وَأَنَا عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدِكَ قَائِمٌ بَيْنَ يَدَيْكَ مُتَوَسِّلٌ بِكَرَمِكَ إِلَيْكَ

ای خدا من بنده تو و فرزند بنده توام که در پیشگاه حضورت ایستاده ام و کرم و رحمتت را بسویت وسیله خود قرار

داده ام

إِلَهِي أَنَا عَبْدٌ أَتَنَصَّلُ إِلَيْكَ مِمَّا كُنْتُ أَوَاجِهُكَ بِهِ مِنْ قِلَّةِ اسْتِحْيَائِي مِنْ نَظْرِكَ

ای خدا منم بنده‌ای که به عذر خواهی به درگاهت آمده ام از اعمال زشتی که بواسطه قلت حیا به حضورت و در

نظرت بجا آورده ام

وَ أَطْلُبُ الْعَفْوَ مِنْكَ إِذِ الْعَفْوُ نَعْتُ لِكَرَمِكَ

و از تو عفو و بخشش می طلبم که عفو وصف کرم توست

إِلَهِي لَمْ يَكُنْ لِي حَوْلٌ فَأَنْتَقِلْ بِهِ عَنْ مَعْصِيَتِكَ إِلَّا فِي وَقْتٍ أَيْقَظْتَنِي لِمَحَبَّتِكَ

ای خدا من قدرتی که از معصیت باز گردم ندارم مگر آنکه تو به عشق و محبت مرا بیدار گردانی

وَ كَمَا أَرَدْتَ أَنْ أَكُونَ كُنْتُ فَشَكَرْتُكَ بِإِدْخَالِي فِي كَرَمِكَ وَ لِتَطْهِيرِ قَلْبِي مِنْ أَوْسَاحِ
الْغَفْلَةِ عَنَّكَ

یا آنکه چنانکه تو می خواهی باشم و شکر تو گویم چون مرا به کرمت داخل کردی و قلبم را از پلیدیهای غفلت پاک و

پاکیزه گردانیدی

إِلَهِي انظُرْ إِلَيَّ نَظْرَ مَنْ نَادَيْتَهُ فَأَجَابَكَ وَ اسْتَعْمَلْتَهُ بِمَعُونَتِكَ فَأَطَاعَكَ

ای خدا از لطف به حال من چنان بنگر که به کسی که او را خواندی و اجابت کرد و به کار طاعت و اداشتی و اطاعت

نمود می نگری

يَا قَرِيبًا لَا يَبْعُدُ عَنِ الْمُغْتَرِّ بِهِ وَ يَا جَوَادًا لَا يَبْخُلُ عَمَّنْ رَجَا ثَوَابَهُ

ای نزدیکی که هرگز دور از آنکه فریفته توست نمی شوی و ای با جود و کرمی که هرگز بخل بر آنکه امید احسانت

دارد نمی کنی

إِلَهِي هَبْ لِي قَلْبًا يُدِينِيهِ مِنْكَ شَوْقُهُ وَ لِسَانًا يُرْفَعُ إِلَيْكَ صِدْقُهُ وَ نَظْرًا يُقَرِّبُهُ مِنْكَ حَقُّهُ

ای خدا به من دلی عطا کن که مشتاق مقام قرب تو باشد و زبانی که سخن صدقش بسوی تو بالا رود و نظر

حقیقتی که تقرب تو جوید

إِلَهِي إِنَّ مَنْ تَعَرَّفَ بِكَ غَيْرُ مَجْهُولٍ وَ مَنْ لَازَبَكَ غَيْرُ مَخْذُولٍ وَ مَنْ أَقْبَلَتْ عَلَيْهِ غَيْرُ
مَمْلُوكٍ (مَمْلُولٍ)

ای خدا آنکه به تو معروف شد هرگز مجهول و بی نام نشود و هر که به تو پناه آورد هرگز خوار نگردد و هر که تو به او

توجه کنی بنده دیگری نشود

إِلَهِي إِنَّ مَنْ انْتَهَجَ بِكَ لِمُسْتَنِيرٍ وَ إِنَّ مَنْ اعْتَصَمَ بِكَ لِمُسْتَجِيرٍ وَ قَدْ لُذْتُ بِكَ يَا إِلَهِي

ای خدا هر که به تو راه یافت روشن شد و هر که به تو پناه برد پناه یافت و من به درگاه تو پناه آورده ام پس تو ای

خدا

فَلَا تُخَيِّبْ ظَنِّي مِنْ رَحْمَتِكَ وَ لَا تَحْجُبْنِي عَنْ رَأْفَتِكَ

حسن ظن مرا به رحمت تو امید مساز و از فروغ رأفت و عنایت مرا محجوب مگردان

إِلَهِي أَقْمِنِي فِي أَهْلِ وَ لَأَيْتِكَ مُقَامَ مَنْ رَجَا الزِّيَادَةَ مِنْ مَحَبَّتِكَ

ای خدا مرا در میان اولیاء خود مقام آنکس را بخش که به امید زیاد شدن محبت توست

إِلَهِي وَ الْهَمْنِي وَ لَهَا بَدِ كَرِكَ إِلَى ذِكْرِكَ وَ هَمَّتِي فِي رَوْحِ نَجَاحِ أَسْمَائِكَ وَ مَحَلِّ قُدْسِكَ

ای خدا و مرا واله و حیران یاد خود برای یاد خود گردان و همتم را بر نشاط و فیروزی در اسماء خود و مقام قدس

خویش موقوف ساز

إِلَهِي بِكَ عَلَيَّ إِلَّا الْحَقَّتَنِي بِمَحَلِّ أَهْلِ طَاعَتِكَ وَالْمَثْوَى الصَّالِحِ مِنْ مَرْضَاتِكَ

ای خدا به ذات پاکت و به حقی که تو را بر خلق است قسم که مرا به اهل طاعتت ملحق ساز و منزل شایسته از

مقام رضا و خوشنودیت عطا فرما

فَإِنِّي لَا أَقْدِرُ لِنَفْسِي دَفْعًا وَلَا أَمْلِكُ لَهَا نَفْعًا

که من قادر نیستم دفع شری از خود یا جلب نفعی برای خود کنم

إِلَهِي أَنَا عَبْدُكَ الضَّعِيفُ الْمَذْنِبُ وَ مَمْلُوكُكَ الْمُنِيبُ (الْمَعِيبُ) فَلَا تَجْعَلْنِي مِمَّنْ
صَرَفَتْ عَنْهُ وَجْهَكَ وَ حَجَبَهُ سَهْوُهُ عَنْ عَفْوِكَ

ای خدا من بنده ضعیف گنهکار و مملوک تائب پر عیب و نقص توام پس مرا از آنان که روی از آنها می گردانی و به

غفلت از عفو تو محجوب شدند فرار مده

إِلَهِي هَبْ لِي كَمَالَ الْإِنْقِطَاعِ إِلَيْكَ وَ أَنْرْ أَبْصَارَ قُلُوبِنَا بِضِيَاءِ نَظَرِهَا إِلَيْكَ

ای خدا مرا انقطاع کامل بسوی خود عطا فرما و روشن ساز دیده های دل ما را به نوری که به آن نور تو را مشاهده

کند

حَتَّى تَحْرِقَ أَبْصَارَ الْقُلُوبِ حُجْبَ النُّورِ فَتَصِلَ إِلَى مَعْدِنِ الْعِظْمَةِ وَ تَصِيرَ أَرْوَاحَنَا مُعَلَّقَةً
بِعِزِّ قُدْسِكَ

تا آنکه دیده بصیرت ما حجابهای نور را بر دردو به نور عظمت واصل گردد و جانهای ما به مقام قدس عزت در پیوند

إِلَهِي وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ نَادَيْتَهُ فَأَجَابَكَ وَ لَاحَظْتَهُ فَصَعِقَ لَجَلَالِكَ فَنَاجَيْتَهُ سِرًّا وَ عَمِلَ لَكَ
جَهْرًا

ای خدا مرا از آنان قرار ده که چون او را ندا کنی تو را اجابت می کند و چون به او متوجه شوی از تجلی جلال و

عظمت مدهوش می گردد پس تو با او در باطن راز می گویی و او به عیان به کار تو مشغول است

إِلَهِي لَمْ أُسَلِّطْ عَلَى حُسْنِ ظَنِّي قُنُوطَ الْإِيَّاسِ وَ لَا انْقَطَعَ رَجَائِي مِنْ جَمِيلِ كَرَمِكَ

ای خدا بر حسن ظنم به تو یأس و ناامیدی مسلط مساز و دست امیدم از دامن کرم نیکویت جدا مگردان

إِلَهِي إِنْ كَانَتْ الْخَطَايَا قَدْ أَسْقَطْتَنِي لَدَيْكَ فَاصْفَحْ عَنِّي بِحُسْنِ تَوَكُّلِي عَلَيْكَ

ای خدا اگر خطاهایم مرا نزد تو پس و خوار گردانیده هم بواسطه حسن اعتمادم به تو از من عفو کن

إِلَهِي إِنْ حَطَّتَنِي الذُّنُوبُ مِنْ مَكَارِمِ لُطْفِكَ فَقَدْ نَبَّهْتَنِي الْيَقِينَ إِلَى كَرَمِ عَطْفِكَ

ای خدا اگر گناهانم مرا از لطف و کرامتهایت دور کرده مقام یقینم مرا به کرم و عطوفتت تذکر می دهد

إِلَهِي إِنْ أَنَامْتَنِي الْغَفْلَةَ عَنِ الْإِسْتِعْدَادِ لِلِقَائِكَ فَقَدْ نَبَّهْتَنِي الْمَعْرِفَةَ بِكَرَمِ آيَاتِكَ

و اگر غفلت مرا از مهیای لقای تو شدن به خواب غرور افکند معرفتم به نعمت‌های بزرگواریت بیدار می گرداند

إِلَهِي إِنْ دَعَانِي إِلَى النَّارِ عَظِيمِ عِقَابِكَ فَقَدْ دَعَانِي إِلَى الْجَنَّةِ جَزِيلِ ثَوَابِكَ

ای خدا اگر عقاب و انتقام تو مرا به آتش دوزخ خواند ثواب و عنایتت مرا بسوی بهشت ابد دعوت کرد

إِلَهِي فَلَكَ أَسْأَلُ وَ إِلَيْكَ أَبْتَهَلُ وَ أَرْغَبُ وَ أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ

ای خدا پس من هر چه بخواهم از تو درخواست می کنم و به درگاه کرمت با ناله و زاری و شوق و رغبت می نالم و

از تو می طلبم که درود فرستی بر محمد (ص) و آل محمد

وَ أَنْ تَجْعَلَنِي مِمَّنْ يُدِيمُ ذِكْرَكَ وَ لَا يَنْقُضُ عَهْدَكَ وَ لَا يَعْغُلُ عَنْ شُكْرِكَ وَ لَا يَسْتَخِفُّ بِأَمْرِكَ

و مرا از آنان قرار دهی که دایم به یاد تواند و هرگز عهد تو نشکنند و شکر و سپاست را لحظه‌ای فراموش نکنند و

امرت را سبک نشمرند

إِلَهِي وَ الْحَقُّنِي بِنُورِ عِزِّكَ الْأَبْهَجِ فَأَكُونَ لَكَ عَارِفًا وَ عَنْ سِوَاكَ مُنْحَرِفًا وَ مِنْكَ خَائِفًا مُرَاقِبًا

ای خدا و مرا به نور مقام عزتت که بهجت و نشاطش از هر لذت بالاتر است در پیوند تا آنکه شناسای تو باشم و از

غیر تو رو بگردانم و از تو ترسان و مراقب فرمان باشم

يَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ رَسُولِهِ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ وَ سَلَّمَ تَسْلِيمًا كَثِيرًا

ای خدای صاحب جلال و بزرگواری و درود خدا بر رسولش محمد (ص) و بر اهل بیت پاکش و سلام و تحیت بسیار باد

و این از مناجات های جلیل القدر ائمه علیهم السلام است و بر مضامین عالیه مشتمل است و در هر وقت که

حضور قلبی باشد خواندن آن مناسب است